

جریانی نو در معماری امروز ایران¹

سید هادی میرمیران

این مقاله در مومرد جریانی است نو که در معماری امروز ایران پدید آمده و تلاش دارد نوعی از آثار معماری بیافریند که در تداوم تکاملی معماری گذشته این سرزمین کهن باشد و بتواند جایگاهی را در معماری معاصر جهان به خود اختصاص دهند.

از آنجا که این جریان در حال شکل‌گیری است و افراد و نیروهای لازم خود را به درستی نیافته و دیدگاه‌های خود را نیز مدون نکرده است و با توجه به اینکه من خود را بخشی از این جریان می‌دانم، ضمن مروری مختصر بر معماری معاصر ایران، دیدگاه‌های خود را در مورد معماری بیان می‌دارم و به برخی از کارهای خود و دیگر کارهای مربوط به این جریان اشاره می‌کنم، تا شاید از این طریق بتوانم به معرفی این جریان پیشرو معماری ایران بپردازم.

ایران دارای میراث بزرگ معماری است. از زمان ساخت کهن‌ترین بنای مهم معماری ایران یعنی زیگورات چغازنبیل که در حدود 1250 سال قبل از میلاد مسیح بنا گردیده تا آستانه دوره معاصر ایران، دوره‌ای به مدت بیش از 3000 سال در پشت سرماست. در تمامی این مدت طولانی، معماری در این کشور وجود داشته و آثار بسیار زیاد و با ارزشی را در گوشه و کنار این سرزمین به وجود آورده است.

این آثار سهم بزرگی در شکل دادن و پیشبرد معماری جهان در دوره‌های مختلف تاریخ به عهده داشته‌اند.

تاریخ معماری ایران را اصولاً می‌توان به دو بخش اصلی، معماری قبل و بعد از اسلام تقسیم کرد. دین اسلام که در حدود 1400 سال پیش در ایران مستقر گردید، با توجه به جهان‌بینی خواص خود آثار معماری بعد از اسلام ایران را تحت تأثیر قرار داد و به آن کیفیت جدیدی بخشید.

لکن به هر حال پیوند محکمی بین این دو بخش معماری ایران برقرار گردید. این هر دو بخش معماری ایران، چه بخش قبل از اسلام که دو دوره درخشان طولانی و چندین صد ساله

هخامنشی و ساسانی را در برمی‌گیرد، و چه بخش بعد از اسلام که حداقل تا زمان صفوی یعنی در یک دوره هزار ساله سیر تکاملی ممتدی داشته است، به عنوان قسمت‌های پر اهمیت تاریخ معماری برشمرده می‌شوند.

اگر چه معماری ایران بعد از دوره صفوی یعنی از حدود چهارصد سال قبل نتوانسته جایگاه برجسته خود را در معماری جهان حفظ کند.

و در واقع از این زاویه سیر نزولی داشته است، لکن به رغم این سیر نزولی باز هم آثار بسیار با ارزش معماری در این سال‌های تا شروع دوره معماری معاصر ایران به وجود آمده است.

بدین ترتیب زمانی که معماری معاصر ایران آغاز گردید، ثروت معماری سه هزار ساله فوق‌العاده با ارزش و تقریباً بدون انقطاعی را با تعداد بسیار زیاد آثار در پشت سر خود داشت و طبیعی بود که بدان توجه داشته باشد.

شروع معماری معاصر ایران را می‌توان از حدود سال 1300 به بعد تصور کرد. این زمانی است که در اثر تحولات سیاسی و اجتماعی جریان زندگی اجتماعی و اقتصادی ایران تغییر کرد، سیمای شهرهای ایران متحول شد و بناهای لازم برای زندگی جدید مانند ادارات، کارخانجات، بانکها، ایستگاه‌های راه آهن، دانشگاه‌ها و جز اینها، و هم چنین واحدها و مجموعه‌های مسکونی جدید در شهرها به وجود آمدند.

این بناها بر خلاف بناهای قبل از تاریخ معاصر که به دست معماران سنتی راحی و ساخته می‌شدند، به تدریج به دست معماران تحصیل کرده طراحی گردیدند. این عده را در ابتدا معماران غیر ایرانی تشکیل می‌دادند و سپس اندک اندک معمارانی که در مدارس معماری خارج از ایران تحصیل کرده بودند، و به دنبال آن با ایجاد اولین مدرسه معماری ایران در حدود سالهای 1320؛ معماران تحصیل کرده ایرانی نیز به آنها اضافه شدند.

از همان ابتدا و از طراحی اولین آثار در معماری معاصر ایران، توجه به معماری گذشته این سرزمین و میراث با ارزش آن مطرح می‌گردد و این توجه در دوره‌های مختلف به صورتهای متفاوت بروز می‌یابد.

در دوره اول، در فاصله سال‌های 1300 تا 1320 که پهلوی اول بر ایران حاکم بود و آثار مهم معماری عمدتاً به وسیله حکومت و به دست معماران خارجی ایجاد شدند، توجه به معماری گذشته به صورت تکرار سطحی و ظاهری عناصر بناهای معماری ایران - به خصوص در دوره‌های قبل از اسلام،

یعنی هخامنشی و ساسانی - صورت گرفت و در کنا آن کارهای دیگر معماری به وجود آمدند که در آنها عناصری از معماری گذشته ایران در شکل بعد از اسلام آن با عناصری از معماری اروپایی در هم آمیخته شده بود.

به هر حال عمده این آثار به جز چند اثر محدود مانند موزه ایران باستان کار ماکسیم سیرو و آندره گدار ، به رغم استواری و استحکامشان ، فاقد ارزش چندان چشم‌گیری بودند.

دوره بعدی از سال 1320 و آغاز حکومت پهلوی دوم شروع می‌گردد و تا اواخر دهه چهل ادامه می‌یابد و کارهای معماری مهم عمدتاً به دست چند معماری ارانی مانند محسن فروغی ، هوشنگ سیحون و عبدالعزیز فرمانفرمایان ساخته می‌شود.

در این گونه کارها به گذشته معماری ایران توجه می‌گردد و این توجه کیفیت بهتری نسبت به دوره قبل دارد و در آنها کوشش می‌شود که از هندسه و الگوهای معماری ایران استفاده شود یکی از برجسته‌ترین کارهای این دوره مقبره بوعلی سینا در همدان کار هوشنگ سیحون است.

این دوره نیز به هر حال نمی‌تواند کار مهمی را در به کارگیری اصول و مبانی اسلامی ایرانی و تکامل آن انجام دهد.

دوره دیگر از اواخر دهه چهل آغاز می‌گردد و تا استان پیروزی انقلاب ادامه می‌یابد و همزمان با دوره‌ای است که معماری مدرن سال‌های آخر خود را می‌گذراند و اصولاً در معماری مدرن نیز یک جریان تاریخ‌گرا پدید می‌آید. چند معمار ایرانی کوشش در پدید آوردن آثاری در پیوند با معماری گذشته ایران به عمل می‌آورند.

که در سطح بالاتری نسبت به آثار مشابه که قبل از آن در ایران پدید آمده بود ، قرار داشت و از نمونه‌های خوب آن مرکز آموزش مدیریت کار نادر اردلان و موزه هنرهای معاصر کار کامران دیباست.

پس از شروع جریان‌های فرا مدرن در معاری جهان ، که همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود ، دو موضوع به موازات هم دوره جدیدی از معماری را در ایران به وجود آورد.

یکی از این که اصولاً پس از پیروزی انقلاب معماران ایران سعی کردند که معماری ایران را به سوی یک معماری با هویت مستقل متکی بر میراث معماری گذشته خود هدایت کنند و دیگر این که مبانی معماری فرا مدرن نیز توجه جدی به معماری گذشته سرزمین‌ها را مطرح می‌ساخت.

این دو موضوع دست به دست هم دادند و آثاری در ایران به وجود آمدند که سبک و سلیقه معماری فرا مدرن را با توجه به عناصر معماری گذشته ایران (به خصوص معماری بعد از سالام)

در خود داشتند ، لکن برخورد آنها با معماری گذشته ایران برخورد چندان عمیقی نبود به خصوص که عناصر کلیشه‌ای معماری فرا مدرن یز به وفور در این آثار به کار گرفته شده بودند.

آن چه که من به وصرت بسیار گذرا درم ورد بخشی از معماری معاصر ایران که به میراث معماری گذشته توجه داشت مطرح ساختم ، دو نکته اصلی را رد معماری معاصر ایران نشان می‌دهد :

1) معماری معاصر ایران در بخش عمده خود همواره دغدغه تاریخ معماری ایرانی را داشته و تلاش‌هایی را در جهت پیوند به معماری گذشته و تداوم آن به عمل آورده است.

2) توجه معماری معاصر ایران به معمای گذشته ، بیشتر سطحی و ظاهری بوده و توجه عمیق به روح کلی و همچنین اصول و مبانی آن و به کارگیری این اصول و به خصوص تکامل آن را چندان در خود نداشته است.

دغدغه پیوند با گذشته و عدم توفیق اسای در به وجود آوردن یک جریان معماری که بتواند به صورت صحیح در ادامه و تکامل تاریخ با ارزش معماری ایران باشد و سهمی را در معماری معاصر جهان به خود اختصاص دهد و حتی بتواند سهمی در پیشبرد معماری امروز جهان داشته باشد ، موجب شد که در دهه اخیر برخی از معماران ایرا نف با تکیه بر تجربیات و تلاش‌های معماران دهه‌های گذشته ، تلاش‌های جدیدی را در این زمینه آغاز کنند و به صورت جریانی در معماری امروز ایران در آیند.

متأسفانه به علت عدم پیوند جدی بین این معمران و عدم تبادل نظر و فکر ، به رغم دیدگاه‌های مشترک بسیاری که در کارها و دیدگاه‌های آنها می‌توان دید ، هنوز این جریان شکل مشخصی به خود نگرفته و مبانی نظری خود را تنظیم نکرده است.

بنابراین همان گونه که در ابتدای این گفتار اشاره کردم مجبورم که دیدگاه‌های خود را در مورد معماری بیان کنم و از کارهای خود و دیگران شاهد بیاورم. بنابراین اگر برخی از نظریات و قضاوت‌های من در مورد کارهای دیگران مورد قبول آن معماران قرار نگیرد ، جای تعجب نخواهد بود و از آن گریزی نیست.

در ابتدای بیان دیدگاه‌هایم در مورد معماری ، باید به این نکته مهم اشاره کنم که از نظر من ، معماری در سرزمین‌های مختلف و همچنین در زمان‌های گوناگون با پرده‌های سنگین از یکدیگر جدا نشده است ، اگر چه هر سرزمین و هر زمانی معماری خاص خود را داشته است و در آینده نیز خواهد داشت ،

لکن در تحلیلی ژرف خطوط واحدی کلیه آثار معماری را در تمامی زمان‌ها و تمامی سرزمین‌ها به یکدیگر پیوند می‌دهد. به نظر من تمامی آثار با ارزش معماری، زمانی که با یکدیگر و یک جا نگریسته شوند، دارای دو ویژگی اصلی‌اند:

اول این که در مجموع معماری جهان سیری تکاملی را نشان می‌دهد که تمامی عناصر به عنوان اجزای این سیر تکاملی به نظر می‌آیند و مشخصه این سیر تکاملی عظیم که در بیش از چند هزار سال معماری رخ داده است، حرکت عمومی آثار معماری به موازات حرکت کلی جهان هستی، یعنی حرکت کیفیت ماده به کیفیت روحی و - به بیان معمارانه - کم کردن ماده و افزایش فضاهاست.

دوم این که در تمامی آثار معماری یک وجه مشترک وجود دارد و آن رخ دادن خلاقیت در این آثار است. این خلاقیت به دو شکل در اثر معماری بروز می‌کند:

یکی خلاقیت نظری، یعنی آن مبنای فکری که اثر معماری بر اساس آن نظریه خود را استوار می‌سازد و دیگر خلاقیت فضایی که بخش معمارانه آن است. هر اثر معماری که فاقد خلاقیت باشد، نمی‌تواند جایی را در سلسله عظیم آثار تاریخی معماری جهان به خود اختصاص دهد.

دو ویژگی مذکور که به آن اشاره کردم، پیوند وسیعی را بین آثار معماری - چه در سرزمین‌های مختلف و چه در زمان‌های متفاوت - با یکدیگر برقرار می‌سازد و معماری به طور کلی نوعی کیفیت جهانی پیدا می‌کند، لکن دقیقاً در چارچوب این جریان وسیع به هم مرتبط معماری، اجرای آن که در سرزمین‌ها و زمان‌های مختلف اتفاق افتاده‌اند، توانسته‌اند رنگ و طعم زمان و سرزمین خود را به خود گیرند.

بدین ترتیب از نظر من همواره اثر معماری، هم کیفیت جهانی (به معنای بی‌زمان و بی‌مکان) دارد و هم کیفیت معینی و سرزمینی.

بدین ترتیب از نظر من از طرفی مرزبندی‌های خشک زمانی به عنوان سبک‌ها و مرزبندی‌های خشک سرزمین‌ها به مثابه سنت‌های معماری صحیح نیست و از طرفی دیگر جهانی شدن معماری به صورت یک دست شدن و هیچ گونه تعلق به سرزمین معین نداشتن، مردود است. از همین است که می‌توان ارتباط عمیقی را بین معبد دیر البهاری مصر با خانه کوفمن رایت و بین صومعه لاتورت با مسجد سلجوقی ایران درک کرد.

ضمناً با این مقدمه می‌خواهم از تصور نادرست معماری سنتی به معنای بخشی از معماری که فقط به یک سرزمین معنی توجه دارد و مسیر خود را جدیاً از معماری سرزمین‌های

دیگر طی می‌کند، جلوگیری کنم و وجود پیوند بسیار عمیقی را بین آثار معماری سرزمین‌های مختلف در عین حفظ ویژگی‌های سرزمینی آنها بیان دارم.

بدین ترتیب است که من ضمن این که این جریان معماری را متعلق به ایران و در روند تکامل معماری گذشته ایران می‌دانم آن را خارج از جریان کلی معماری امپریو جهان نیز تصور نمی‌کنم. از نظر من مبانی نظری اولین آثاری که بر اثر این جریان پدید آمد بر این استدلال استوار بود که:

تحلیل معرمانی ایران نشان می‌دهد که به رغم کثرت، تنوع و پیچیدگی بناها، اصول، مبانی و الگوهای نسبتاً معدودی در طول زمان به گونه‌های مختلف در این معماری به کار گرفته شده‌اند. افزون بر آن این نتیجه به دست می‌آید که تکامل معماری ایران بیشتر بر تعالی این اصول، مبانی و الگوها در جریان نوعی فعالیت هوشمندانه و ماهرانه استوار بوده است تا ایجاد آنها.

با پذیرش این امر، این پرسش پیش روی قرار می‌گیرد که آیا نمی‌توان در معماری امروز ایران نیز به همان صالو و مبانی و الگوها پرداخت و آنها را در جریان فعالیتی خلاق تکامل بخشید و به پیش برد. پاسخ مثبت به این پرسش بود که موجب شد در این طرح‌ها اصول و مبانی معماری گذشته ایران مبنای کار قرار گیرد.

به علاوه، از بررسی و تحلیل عناصر و الگوهای تاریخ معماری ایران این نتیجه حاصل می‌شود که عناصر و الگوهای مذکور اگر چه هر یک در دوره معینی از تاریخ معماری این سرزمین خلق گردیده‌اند، لکن با حضور ممتد در دوره‌های بعدی، تکامل و پالایش یافته‌اند دارای هویتی مستقل از زمان شده‌اند. اینها مفهوم عامی را از یک الگو و یا یک عنصر در معماری ارائه می‌کنند که شدن تجربیدی یافته و دارای تصویری ذهنی و حامل بار عاطفی است. اگر بپذیریم که این کیفیت به زمان وابسته نیست، بار دیگر این اجازه را خواهیم یافت که آنها را رد شکل تجربیدی خود در معماری امروز مورد استفاده قرار دهیم.

بدین ترتیب برخی از کارها طراحی گردیدند که در آنها الگوهای معماری قدیمی ایران با برداشتی جدید به کار گرفته شده بود که برخی از نمونه‌های بارز آن عبارتند از:

سه طرح ارائه شده برای فرهنگستان‌های جمهوری اسلامی ایران کار من، کار علی اکبر صارمی و کار داراب دیبا، مرکز ورزشی رفسنجان کار من، دو طرح ارائه شده برای موزه بزرگ تاریخ خراسان کار محمد امین میر فندرسکی و کار مشترک

مژگان صولتی و محمد حسن مومنی ، و هنرستان هنرهای تجسمی کرج کار علی اکبر صارمی.

در طرح‌های بعدی این جریان تنها به اصول و مبانی معماری ایران و الگوهای به کار گرفته شده در آن اکتفا نشده ، بلکه به فرهنگ ایران به صورت کلی‌تر شامل اسطوره‌ها ، مفاهیم ، مضامین و خاطره‌های فرهنگی نیز هست و پای سایر زمینه‌های هنر چون شعر و ادبیات را به میان می آورد ، توجه شده و از آنها به عنوان دستمایه‌های خلاقیت فکری اثر معماری استفاده گردیده است.

در این جا این نکته مهم باید توجه داده شود که مفاهیم و مضامین فرهنگی نباید به صورت مستقیم در مرحله خلاقیت فضایی قرار گیرند و تبدیل به اثر معماری شوند بلکه باید در یک روند خلاقیت فکری از یک مرحله تجریدی عبور کنند و به بیا و یا ایده معمارانه بدل گردند و پس از آن خلاقیت فضایی ، تلاش خود را در جهت تحقق بخشیدن به این ایده معمارانه آغاز می کند.

کارهای برجسته‌ای که در این روند طراحی گردیدند ، عبارتند از : سه طرح ارائه شده برای کتابخانه ملی ایران کار من ، کار کامران صفامش و کار فرهاد احمدی ، ترمینال فرودگاه بین‌المللی امام خمینی کار بهرام شیردل ، باغ جهان نمای شیراز کار محمد رضا نسرین ، موزه ملی آب ایران کار مشترک من و بهرام شیردل ، موزه دفاع مقدس اصفهان کار حسین شیخ‌زین‌الدین و برخی طرح‌های دیگر.

در پایان گفتارم باید دو نکته اساسی را در تشریح بیشتر این نوع معماری اضافه کنم :

اول این که مفاهیم ، اسطوره‌ها ، مضامین و دیگر تولیدات فکری اشتراکات زیادی در فرهنگ‌های مختلف دارند و عمدتاً مفاهیم واحدی‌اند که در سرزمین‌های مختلف به صورت‌های گوناگون بیان شده به تصویر آمده‌اند.

از این رو زمانی که معماری در جهت تجسم و پرداختن به آنها قرار گیرد ، اثر معماری خواه ناخواه کیفیتی فراتر از سرزمین معین می‌یابد و به نوعی جهانی می‌گردد ، به خصوص اگر مفاهیمی که دستمایه کار قرار گرفته‌اند مربوط به مقولات کلی هستی باشند.